**شنبه 1/6/1403-17صفر 1446- 22اوت 2024-درس 50 تفسیر ترتیبی مدیریتی قرآن کریم –**

 [سوره المائدة (5): آيات 119 تا 120]

قالَ اللَّهُ هذا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها أَبَداً رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (119) لِلَّهِ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما فِيهِنَّ وَ هُوَ عَلى‏ كُلِّ شَيْ‏ءٍ قَدِيرٌ (120)

خداوند مى‏فرمايد: امروز روزى است كه راستگويان را راستگويى بكار آيد، براى ايشان است بهشتهايى كه نهرها از زير آنها روان است و در آنجا براى هميشه از نعمتهاى خداوند بر خوردارند. خدا از ايشان راضى است و آنها از خدا. اين رستگارى بزرگ. براى خداست حكومت آسمانها و زمين و آنچه در آنهاست و از هر چيزى تواناست.‏

يوم ينفع: نافع «يوم» را به نصب و ديگران به رفع خوانده‏اند. رفع آن بنا بر اين است كه خبر مبتدا باشد و «يوم» اضافه شده است به «ينفع» و جمله «هذا يوم- ...» در محل نصب و مفعول است براى «قال» در نصب آن دو احتمال است: 1- مفعول فيه است براى قول. يعنى: اين را خداوند در آن روزى ميگويد كه ... 2- خبر باشد براى «هذا» و جمله مقول قول باشد. يعنى اينكه گفتيم در روزى است كه ... البته گاهى اوقات ظرف زمان خبر واقع ميشود. علت نصب «يوم» اين است كه مضاف اليه، يعنى «ينفع» معرب است.

مقصود

پس از آنكه عيسى، بطلان گفته‏هاى مسيحيان را بيان كرد، مى‏فرمايد:

قالَ اللَّهُ هذا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ‏: خداوند مى‏فرمايد: امروز روزى است كه هر كس در دنيا راست گفته، از آن بهره‏مند خواهد شد. زيرا روز قيامت، روز تكليف نيست كه راستگويى آن روز بدرد كسى بخورد. وانگهى آن روز كسى دروغ نميگويد. كافران هم اگر راست بگويند و به زشتى كردار خود اعتراف كنند، به حالشان فايده ندارد. برخى گويند: منظور از «صدق» تصديق پيامبران است.

برخى هم گفته‏اند: مقصود، راستگويى در روز قيامت است كه در برابر حق، اگر راست بگويند، به حال آنها مفيد خواهد بود، بنا بر اين مقصود اين است كه: شهادت دهند كه پيامبران احكام خدا را به آنها ابلاغ كرده‏اند.

لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها أَبَداً: براى آنها بهشتى است‏كه نهرها از زير آنها جارى است و هميشه در آنجا خواهند بود.

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ‏: خداوند از كردار آنها راضى است و آنها از پاداش او راضى هستند.

ذلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ‏: اين است رستگارى بزرگ كه بر اثر پاداش الهى نصيب آنها مى‏شود. حسن گويد: يعنى به بهشت رستگار و از دوزخ رها شدند. اكنون خداوند درباره عظمت قدرت و وسعت قلمرو حكومت خود، مى‏فرمايد:

لِلَّهِ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما فِيهِنَ‏: بمنظور تنزيه خود از آنچه مسيحيان ميگفتند، مى‏فرمايد: خدا كسى است كه حكومت آسمانها و زمين بدست اوست.

بنا بر اين چگونه ممكن است كسى با او برابر و در خداوندى رقيب او باشد؟! برخى گفته‏اند: اين جمله، پاسخى است از سؤال مقدر. مثل اينكه سؤال شده است. اين رستگارى بزرگ را چه كسى به آنها داده است؟ پاسخ مى‏دهد: كسى كه چنين است.

در اينجا آسمانها و زمين را مفرد آورده است، تا شان آسمانها را عظمت بخشد.

وَ هُوَ عَلى‏ كُلِّ شَيْ‏ءٍ قَدِيرٌ: او كسى است كه موجودات را از نيستى بهستى مى‏آورد و موجودات را از هستى بديار نيستى مى‏برد. اين است قدرت بى‏پايان او! جبايى گويد: يعنى هر چه كه وجود آن ممكن باشد، خداوند بر آن قادر است. مثل:

«اللَّهُ خالِقُ كُلِّ شَيْ‏ءٍ (رعد 16: خداوند بر هر چه كه وجود آن ممكن باشد، قادر است.)[[1]](#footnote-1)

 تفسیر مدیریتی

 آثار صداقت در مدیریت

صداقت و راستی وراستگویی در مدیریت اساس موفقیت است به اطرافیان اعتماد میبخشد انگیزش میدهد و محبوبیت و نفوذ می آورد .صداقت در رفتار و گفتار تجلی میکند تصنعی نیست و الا تاثیر ات مذکوره را ندارد صداقت به معنای مطابق با واقع بودن کار هم هست اگر مدیر صادق باشد کارهایش صواب و صحیح خواهد بود صداقت به معنای عدم دروغگویی هم هست عدم غلو و مبالغه هم هست چه در گزارشات چه در تمجیدات و تشویقات و تکریمات مقامات مافوق را راضی میکند و خودش هم رضایت از مافوق را تحصیل میکند زیر دستانش هم از او راضی میشوند خداوند که مافوق ترین مدیر است طبق مدلول این آیات از او راضی میشود و او هم از خداوند راضی میشود راضیه و مرضیه میشود یعنی نفس مطمئنه میشود صداقت منافعی دارد که در روز نهایی پاسخگویی به مدیران صادق میرسد اول این منافع مادیات معنوی است که عالیترین و راقی ترین منافع صداقت در قالب جنات است که در زیر آن نهر ها جاری است فضایی ضد حزن و افسردگی و ندامت ، آب جاری وفضای سبز نماد اذهاب حزن است انسانهای پیروز و به هدف رسیده به چنین آرامشی میرسند یعنی ناکام نیستند و کامیابند تلاشهاشان به ثمر نشسته است وزحماتشان حاصل خیز بوده است از سوی دیگر رضایت مندی بین مدیران صادق و مافوقشان است در کارنامه او ثبت میشود و هر جا او را معرفی کنند به عنوان انسانی شایسته که از او جز خیر نمیگویند و نمیدانند یاد میکنند و او را اعتلاء و ارتقاء میدهد در مجامع و جوامع . او هم راضی است رضایت شغلی و رضایت خاطر رضایت برخوردی و رفتاری و ثمر بینی شبکه ای از رضایت بوجود می آید همه از هم راضی میشوند این رضایت متقابل و متعامل نفع صداقت است اثر آن است (رضی الله عنهم و رضوا عنه) این فوز عظیم است فوز یعنی ظفر به خیر با سلامت یعنی به هدف مرغوب رسیدن زیرا خیر به معنای ما یرغب الیه الکل است و فوز دستیابی به این مرغوب عمومی است به این هدف عمومی است که فائز به آن دست میابد فوز عظیم یعنی وسیع ترین و جامع ترین پیروزی که عظمت آن قابل درک نیست . همه اینها با سلامت است قلب سلیم و ایمان سالم ادخلوها بسلام . سلامت کار و نفس و دستیابی به خیرات و مرغوبات و اهداف و... در سطحی وسیع و غیر قابل وصف باعظمت، فوز عظیم . این مجموعه منفعت صادقین در روز نهایی است روز جام گرفتن و مدال به گردن آویختن وبر سکو رفتن و.... این همه نشان و دست نشان به او میرسد که در یک کلمه فوز عظیم نام میگیرد چرا باید صادق نبود و ناکام از دست یابی به این فوز عظیم شد که جنات و انهار و رضامندی متقابل از جمله آن است چه مدیران فائز و سالم و غانمی . این فوز عظیم را چه کسی میدهد مدیر عظیم و اعلی که ربوبیت با عظمت و و متعالی او را در رکوع و سجده مکرر تسبیح کرده اند . فوز عظیم از مافوقی که پادشاه آسمانها و زمین است یعنی سلطان این سازمان آسمانی و زمینی و عرشی است وبر هر چیزی قادر است مقتدر است فوز عظیم را تحقق بخش است دست بسته نیست دانا و دارا و توانا است میتواند به وعده هایش عمل کند وعده صادق به مدیر صادق و مدیری صادق مثل حضرت عیسای صاحب عزم و اراده که نشان داد بر خلاف رقبایش و شریکان غالی اش دنبال قدرت طلبی نیست اهل دور زدن مافوق و مرید پروری و باند بازی نیست مافوقش را تقویت میکند و به خود نمیخواند کسی را و... که در آیات قبل علت صادق بودن او را دانستیم . خدای صادقین که از آنها راضی است آنچنان اقتداری دارد که وعده صادق فوز عظیم را به مدیران صادق واصل میکند

 پایان سوره مائده با فوز عظیم مئیران صادقین پایان یافت که منفعت صداقت آنهاست از خدای قادر علی الاطلاق و تا سوره انعام .

قالَ اللَّهُ هذا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِينَ فِيها أَبَداً رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ ذلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (119) لِلَّهِ مُلْكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما فِيهِنَّ وَ هُوَ عَلى‏ كُلِّ شَيْ‏ءٍ قَدِيرٌ (120)

خداوند مى‏فرمايد: امروز روزى است كه راستگويان را راستگويى بكار آيد، براى ايشان است بهشتهايى كه نهرها از زير آنها روان است و در آنجا براى هميشه از نعمتهاى خداوند بر خوردارند. خدا از ايشان راضى است و آنها از خدا. اين رستگارى بزرگ. براى خداست حكومت آسمانها و زمين و آنچه در آنهاست و از هر چيزى تواناست.‏

1. طبرسى، فضل بن حسن، ترجمه تفسير مجمع البيان، 27جلد، فراهانى - ايران - تهران، چاپ: 1. [↑](#footnote-ref-1)